علی محمدی / ایران

چرا بعضی ها فکر می کنند کرونا نمی گیرند؟

ما رویین تن نیستیم

مریم طالشی
گزارش نویس

«همیشه می‌گفت من عمراً کرونا بگیرم. کرونا اصلاً از دست من فرار می‌کند. این حرف‌ها را می‌زد و به ما می خندید که چقدر رعایت می‌کنیم و ماسک می‌زنیم و می‌گوییم باید فاصله را حفظ کنیم. دلیلش برای اینکه نمی‌گیرد این بود که چند ماه پیش از دایی پیرش که مبتلا به کرونا شده بود، مراقبت کرده و می‌گفت حتی یک روز هم ماسک نزده و اصلا مریض نشده است. داستان بیماری دایی اش را با آب و تاب تعریف می کرد و اینکه چقدر بد حال بوده و درگیری ریه داشته و مراقبت‌های خودش باعث شده سرپا شود. دایی ۷۵ ساله اش از کرونا جان سالم به در برد و حالش خوب است و او این را مدیون زحماتی می‌دانست که برای دایی جان کشیده است اما خودش سه ماه بعد از آن جریان به کرونا مبتلا شد و هفته پیش فوت کرد.»

مرد جوانی که روایتش را خواندید، ۳۸ ساله بود و پدر دو فرزند. فامیل اش که این روایت را تعریف کرد می گوید مرحوم اعتقادی به ماسک نداشت و خیلی به خودش مطمئن بود که مبتلا نمی شود دلیلش هم این بود که این همه مدت چندان ماسک نزده و غیر از مواقعی که مجبور بوده از آن استفاده نکرده و به کرونا هم مبتلا نشده است اما دلتا این حرف‌ها حالی اش نمی شود و ای کاش این را می‌دانست.

همسر و یکی از فرزندان مرد هم مبتلا هستند و هنوز از بیمارستان مرخص نشده‌اند. آشنای مرد می‌گوید در مراسم تشییع جنازه او دو نفر دیگر از بستگان هم به کرونا مبتلا شده و درگیری ریه پیدا کرده‌اند.

شهروز پسر ۲۳ ساله هم از جمله افرادی است که اصلاً به کرونا اعتقادی نداشت. نه اینکه اعتقادی نداشته باشد بلکه فکر می‌کرد جوان و ورزشکار است و کرونا اصلاً سراغ او نمی‌آید. ماسک استفاده می کرد اما خیلی کم و به ندرت. باشگاه ورزشی می‌رفت و تمام تلاشش را می‌کرد تا به قول خودش بنیه بدنش را قوی کند. آنقدر به خودش مغرور بود که وقتی علائم پیدا کرد عین خیالش نبود و فکر می کرد این هم مثل یک سرماخوردگی مختصر است و رفع می شود. خانواده‌اش نتوانستند مجاب اش کنند که برای اسکن ریه برود چون زیادی به خودش مغرور بود و می گفت اصلاً درگیری پیدا نکرده و با یکی، دو روز استراحت حالش خوب می‌شود حتی نمی خواست زیر بار قرنطینه برود اما کرونا بالاخره او را از پا درآورد. شهروز هم مدتی در بیمارستان بستری بود و به قول فردی که روایت او را بازگو کرد تا پای مرگ پیش رفت. درگیری ریه اش بالای ۵۰ درصد بود و احتمال اینکه کل ریه درگیر شود بسیار زیاد بود. پدر و مادرش بسیار اشک ریختند و زاری کردند و از خدا سلامتش را خواستند. این پسر جوان هم هیچ وقت فکر نمی‌کرد درگیر بیماری شود یا اینکه وقتی درگیر شد بیماری آنقدر شدت پیدا کند و پیش رود و او را اینچنین اسیر بیمارستان و درمان کند.

همیشه گفته اند ترس برادر مرگ است اما در مورد کرونا قضیه کمی فرق می کند. گاهی ترس باعث می‌شود مرگ از ما فاصله بگیرد. نترس بودن در این مورد لااقل خوب نیست آدم نترس هم ممکن است که سرش را با غرور بیجا به باد دهد. «آدم خیلی وقت‌ها فکر می کند مرگ فقط برای همسایه است و بیماری هم. وقتی سراغ خودش می آید می‌بیند که این‌طور نیست. در این مدت خیلی از افراد نزدیک و دور و برم به بیماری مبتلا شدند اما هیچ وقت فکر نمی‌کردم خودم درگیر شوم. دلیلش این است که همیشه خودم را دارای بنیه بدنی قوی می‌دانستم و فکر می‌کردم من که تمام ویتامین‌ها را مصرف می کنم و خیلی به خودم می‌رسم و اهل زندگی سالم هستم پس اصلاً درگیر کرونا نمی شوم.»

لیلا که او هم زن جوانی است، ادامه می دهد:« شاید به خاطر همین غرورم بود که چندان مراقب خودم نبودم. مراقبت از جهت اینکه در میهمانی‌ها و دورهمی‌های دوستانه شرکت می‌کردم و می‌گفتم مگر می‌شود آدم این همه وقت معاشرت نکند. می‌گفتم کرونا مال ما نیست و مخصوص آدم‌هایی است که بدن ضعیفی دارند، ما جوان هستیم و اگر هم مریض شویم خیلی راحت بیماری را طی می‌کنیم اما وقتی بیمار شدم و نتوانستم روی پای خودم بایستم فهمیدم که اصلاً این حرف‌ها نیست و کرونا به هیچ کس رحم نمی‌کند. این بیماری اصلاً پیر و جوان نمی‌شناسد حداقل نوع دلتا که این طور است. در سویه قبلی این طور بود که می‌گفتند بیشتر افراد مسن درگیر می‌شوند یا کسانی که بیماری زمینه‌ای دارند اما در نوع دلتا می بینم که خیلی از افرادی که جوان هستند و هیچ نوع بیماری زمینه‌ای هم ندارند درگیر شده‌اند و متأسفانه بعضی از آنها هم جان خود را از دست داده‌اند و این می‌تواند به این خاطر باشد که افراد مسلح عموماً واکسینه شده اند و شاید کمتر درگیر بیماری و مرگ شوند اما جوان‌ها به خیال اینکه فکر می‌کنند زنجیره متوقف شده است کمتر رعایت می‌کنند در صورتی که تا همه واکسینه نشوند نمی‌توان خیال راحتی داشت.»

> **آدم خیلی وقت‌ها فکر می کند مرگ فقط برای همسایه است و بیماری هم. وقتی سراغ خودش می آید می‌بیند که این‌طور نیست. هیچ وقت فکر نمی کردم درگیر بیماری شوم. دلیلش این است که همیشه خودم را دارای بنیه بدنی قوی می‌دانستم و فکر می کردم من که تمام ویتامین‌ها را مصرف می کنم و خیلی به خودم می‌رسم و اهل زندگی سالم هستم پس اصلاً درگیر کرونا نمی شوم**

پریسا برعکس لیلا از دسته آدم هایی است که به خودش چندان مطمئن نیست و اتفاقاً استرس بیماری را دارد به خاطر همین از اول شروع کرونا خیلی رعایت کرده و به گفته خودش هیچ میهمانی و مسافرتی نرفته است اما دوستانی دارد که خیلی بی خیال هستند و بدون توجه به مسأله کرونا خیلی راحت قرار میهمانی و جشن و دورهمی می‌گذارند. آنها انگار نه انگار که پاندمی وجود دارد، سفر گروهی می‌روند و خیلی جالب است که تا به حال هم مبتلا نشده‌اند.

« برای من عجیب است که دوستانم تا به حال چطور به کرونا مبتلا نشده اند آن هم در حالی که خیلی رعایت نمی‌کنند و میهمانی و سفرهایشان به راه است. خودم گاهی فکر می کنم شاید من زیادی سخت می‌گیرم اما آدم‌هایی را هم دیده ام که با وجود اینکه خیلی رعایت کرده‌اند، مبتلا شده اند و البته کسانی هم بوده‌اند که رعایت نکرده و خیلی به خودشان مطمئن بودند که کرونا نمی‌گیرند و آنها هم مبتلا شده‌اند. پس اصلاً حساب و کتابی ندارد. حالا شاید قضیه دوستان من را بشود به حساب شانس و این حرف‌ها گذاشت اما من می دانم که اگر خودم مثل آنها رفتار کنم قطعاً کرونا می‌گیرم چون در کل آدم بدبین و منفی بافی هم هستم. البته که این نوع دلتا خیلی سریع منتقل می‌شود و راحت آدم ها را درگیر می‌کند. من آرزو دارم که دوستانم هرگز مبتلا نشوند ولی اگر بشنوم مبتلا شده‌اند هم اصلاً تعجب نمی‌کنم. به هرحال کُری خواندن و به خود مطمئن بودن در رابطه با این بیماری اصلاً صحیح نیست و آدم هرچقدر هم که به خودش مطمئن باشد ممکن است یک جایی بالاخره ناخواسته مبتلا شود.»

نمی دانم شما جزو کدام دسته هستید؟ کسانی که به صورت افراطی از کرونا می‌ترسند و هیچ اطمینانی به خودشان ندارند یا کسانی که آنقدر به خودشان مغرورند و مطمئن هستند که درگیر نمی شوند که ممکن است خیلی موارد بهداشتی و پروتکل‌ها را رعایت نکنند. شاید بهتر است آدم بین این دو باشد یعنی نه آنقدر بترسد که نتواند هیچ کاری انجام بدهد و نه آن قدر بی خیال و به خودش مطمئن باشد که خیلی موارد را رها کند و ناگهان وقتی به خودش می‌آید ببیند درگیر بیماری شده است.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۷۴۴

آسان

۳	۴		۷				۵	
۱	۷							
۶	۲	۸			۴			۷
			۲	۸		۳	۷	
	۶		۱		۷		۴	
	۳	۴		۶	۹			
۴		۶				۷	۹	۲
							۶	۵
	۱			۵				۴

متوسط

	۳		۲		۷			۸
	۷		۴		۵			
	۴	۱		۳	۶	۹	۲	
	۱	۲						
		۵		۹				
۹	۳	۱	۸	۷	۴			
	۸		۳	۴		۳		
	۷		۱	۳	۶	۵		
۴			۷	۱		۵		

سخت

		۴		۸			۵	۶
			۳		۱			
۱			۹					
	۲	۸		۵				
۵	۹			۱		۷	۳	
			۸			۴		
							۷	۲
				۱				
۶	۱			۹		۳		

خیلی سخت

		۹	۲			۴		
	۸			۱				
			۷		۹		۸	۱
		۳			۱	۲		
۷								۹
		۸	۴			۵		
۹	۶		۱		۲			
				۶			۲	
	۲				۷	۸		

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۷۱۳

جدول عادی

◀ افقی:

۱- سر راست، بی‌واسطه- یکی از سبک‌های نقاشی ایرانی که در دوره تیموریان پایه‌گذاری شد

۲- آهنگر- سنگ مشتعل در آسمان!- پیاپی رسیدن

۳- نام «ریلکه» شاعر آلمانی- خمیده- عضو کابینه دولت

۴- محصول ایران خودرو- راوی- طایفه هند و اروپایی- پس گردن

۵- عریان- گلی معطر و زینتی- حکم شرعی

۶- کشاورز- از مصالح ساختمانی- بالا رفتن آب دریا

۷- ساکت- فیلمی از «کاوه مظاهری» (روی پرده سینما)- دیوار قلعه

۸- گل همیشه بهار- پسرسام- روزی که در آنیم

۹- واهمه- عدم امنیت- از بستگان مادری

۱۰- دختر- ممنوع شده- برادر عامیانه

۱۱- شهر هنری فرانسه- مریخ- ویتامین انعقاد خون

۱۲- لذیذ- همسر ابراهیم نبی- پول ژاپن- ضربه روحی

۱۳- محبوب- نوعی نان شیرین- دارای یک اسم

۱۴- ارفاق- مطلع، واقف- پارچه عریض

۱۵- هر نوع کمک بی چشمداشت مادی و معنوی- در کنار سماور

▼ عمودی:

۱- کارگردان فیلم «بیست و یک روز بعد»

۲- پرده‌داری خانه کعبه- بازگشت- مارکی برکامیون کشنده

۳- ستاره- فروشنده محل- سیری، وفور

۴- نوعی آیینه- دیرینگی- نعره کشیدن- فرصت طلب

۵- جمله دستوری- علم شکل‌ها و ابعاد در ریاضی- نورکم

۶- رنگ مو- مقابل «شمال»- گزافه گویی

۷- بله شیرازی- گلر «فولاد خوزستان»- بهشت‌ها

۸- فیلم «مهدی صباغ زاده»- بهترین نوع اختیار- اسارت

۹- بزرگ- مفتخر- حرف عطف

۱۰- خوراک استیک- مدد و مساعدت- آوای گریه

۱۱- پرستیدنی جاهل- همسر داریوش یکم- بذر

۱۲- وسنی- درخت سایه گستر- دائم و همیشه- مساعدت

۱۳- نام گلی- یار «مداد»- استراق سمع

۱۴- همدم- از کوچه‌های قدیمی تهران- جانور کیسه دار درختی

۱۵- از رشته‌های ورزشی

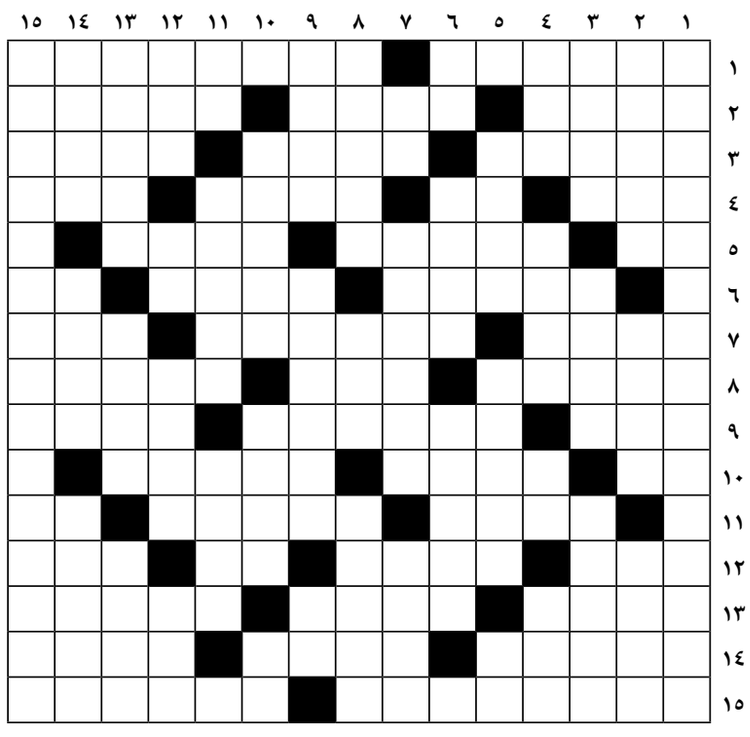

جدول ویژه

◀ افقی:

۱- هلوی تخت!- پانتومتر

۲- بخشی از پرچم گل- گریزان- سؤال و پرسش علمی یا فقهی

۳- قسمی آش- بخش سفید رنگ ناخن- جبان

۴- عضو دستگاه تنفسی- سیستم آسانپرداخت- وسیع و پهناور- دوختن

۵- ورقه اعتبار خرید- پارچه یک دست لباس- بهم ساییده شده

۶- شغال درختی- دیدن- درخت جنگلی

۷- خودروی ایرانی- نام قدیم مشهد- یک شخص

۸- خون‌گیری سنتی- شهر صنعتی «آلمان»- موافق

۹- همدم- نوعی از هیوندای- پابرجا

۱۰- تب لازم- شهری در «جمهوری چک»- حواری محبوب مسیح

۱۱- کافئین حاصل از برگ چای- برابر- ضمیر اجتماعی

۱۲- با «رفت» آید- وسیله دید بهتر- موش صحرایی- تکلیف مدرسه

۱۳- تپه تاریخی «زابل»- یکی از دو زوج کمدین مشهور- سازمانی جاسوسی

۱۴- رشته‌هایی از پوست یا ساقه گیاه- روشن- سرمربی سابق «تراکتور»

۱۵- فضاپیمای ناسا- از ضدعفونی کننده‌ها

▼ عمودی:

۱- اثر توریستی «پاکدشت»

۲- زنان- آتشدان- کشور «باماکو»

۳- خالق «بهارستان»- جنب- درس دادن

۴- مقیاس- استواری و پایداری- عدد دایره- نوعی شیرینی

۵- زبانی در برنامه‌نویسی- شتافتن- حرف هجدهم ابجد

۶- یک عامی- واحد مکالمه تلفن- پای ثابت بستنی

۷- خادم قوم- خطایی در بسکتبال- میوه نورسیده

۸- بلندترین جانور روی زمین- مخفف آناهیتا- یکزبان

۹- شهری در استان زنجان- از علوم مهندسی- گیاه ناژو

۱۰- نخ‌های سست پشمین یا پنبه- شهر هنری «فرانسه»- شهر رازی

۱۱- نشانه فعلی جمع- پیچ و تاب پیدا کرده- بخشنده طلبی

۱۲- وجود دارد- شهری در «بلژیک»- دندان پزشک- حق مخالفت

۱۳- کمک کننده- روزنسیه- سقف دار

۱۴- زمان بی آغاز- پس و پشت- رایزن

۱۵- فیلمی به کارگردانی «کیان حجازی»

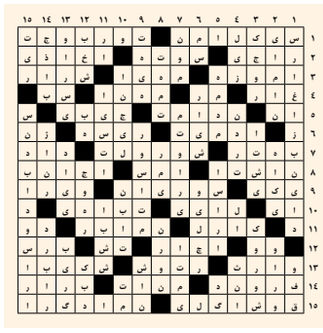
حل جدول ویژه شماره ۷۷۱۲

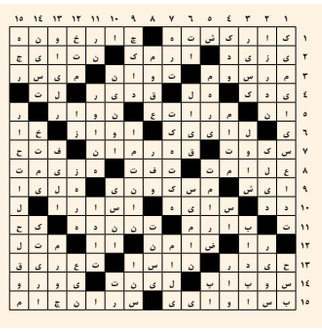
حل جدول عادی شماره ۷۷۱۲

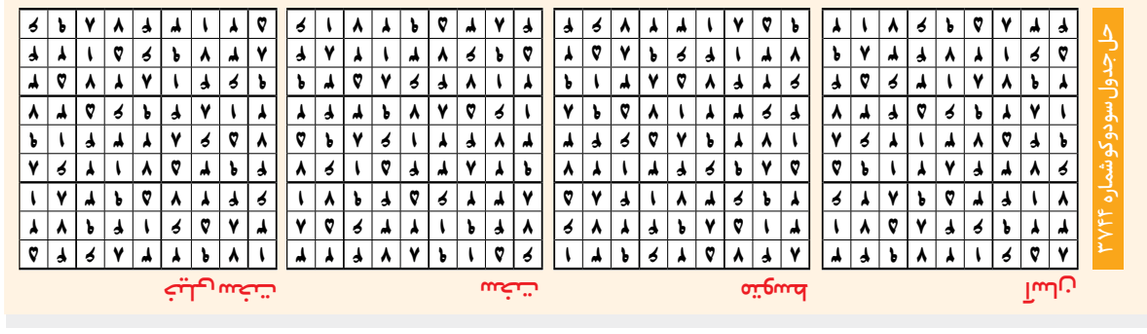
حل جدول سودوکو شماره ۳۷۴۴